

از خود را مورد انتقام قرار دهد و بایستی اخلاقاً تحمل کرده باشد بدین جهت مورخ غیر
معرض که با هر دو دسته از حیث عقیده و تابعیت اهل بیت طهارت شرکت دارد باید
حقاً هر دو طرف را مقصر بداند .

و خداوند بمقتضای عدل و با جود خود با آنان رفتار خواهد فرمود .

بزرگترین و موفق‌ترین شاهان دیالمه عضدالدوله فرزند رکن
الدوله است که بر حسب وصیت عمش عمادالدوله زمام امور
کشور را در شیراز بدست گرفت و باصلاح قواء و جلب قلوب
رجال و اشراف و اعیان ایران پرداخته و شاهنشاه نافذ این کشور

**بیست و دومین
مروج عضدالدوله
دیلمی است**

معرفی شد :

و این شخص همان کسی است که به روایت بحر الانساب دکنی قبر حضرت امامزاده
احمد بن موسی الکاظم علیه السلام را در شیراز کشف نمود و برای این موفقیت ابراز
شادمانی زیاد کرد .

دکنی نقل کرده که شخص شاه همه روزه در دیوانخانه خود
می نشست و اعمال امراء و قضاة و عمال خود را بررسی می نمود
و یکروز پیرزنی نزد شاه آمده و عرض کرد که در نزدیکی منزل من تلی است که هر شب
در آن چراغ روشن میشود و وقتی که بطرف آن میروم خود بخود روشنائی محو میشود
و بعد از مراجعت باز روشن میشود .

اینک اصل قضیه

شاه موضوع اظهار آن زن را با وزراء و رجال آن سامان بمیان گذارد و آنان
چیزی نفهمیدند و گفتند :

ممکن است این زن برای گرفتن چیزی این قضیه را خود جعل کرده باشد ولی

شاه متقاعد نشده و گفت :

من از طرز بیانات این زن بوی حقیقت می شنوم ،

و یک شب مخفیانه بالباس مبدل بخانه پیرزن رفت تا خود قضیه را امتحان نماید
و بعد از معاینه تل در خانه آن زن خوابید و اواسط شب بدستور معهود چراغ روشن شد

ویرزن نزد شاه آمد و او را در خواب دید و سه مرتبه گفت :

شاه چراغ شاه چراغ شاه چراغ .

یعنی ای شاه چراغ روشن شده شاه برخواست و بمحل روشنائی رفت ولی روشنائی

محو گردید .

و دفعه ثانی و ثالث تا دوازده مرتبه همین وضع تکرار شد شاه محل را علامت گذارده و مراجعت کرد و صبح آن روز خواجه عقیف الدین زاهد را طلبیده و مطلب را با او در میان گذارد .

خواجه اظهار بشاشت کرده و عرض کرد که دیشب در عالم رؤیا دیدم که قبر حضرت احمد بن موسی الکاظم علیه السلام را زیارت میکنم و باتفاق محل را معاینه و بدستور شاه تل را شکافته و قبری را مشاهده کردند که لوحی در روی آن و معرف آن شاه زاده عظیم الشان بود .

برای این موفقیت تعطیل عمومی کرده و نقاره خانه سلطنتی را بنوازش در آوردند و عمارت اولیه با مر شاه بر قبر زده شد و زیارتگاه شیعیان گردید .

اما در کتاب آثار العجم کشف قبر را بطریق دیگر در دوره امارت سلطان ابواسحق در موقع ساختن عمارت یکی از وزراء قید کرده که بنظر اینجانب صحیح نیست و روایت حبیب پور دکنی اصلح از آن است چه همین معروفیت بشاه چراغ که در السنه مردم اشتها دارد و هیچ کس نفعی در جعل و ساختن آن ندارد روایت دکنی را تایید مینماید. و نظر دوم بدین جهت است که مردم شیراز غالباً غیر از دیالمه اهل جماعت و سنت بوده اند چون طرز کشف قبر بدست عضدالدوله دیلمی بمنزله کشف کرامت و حاکمی از حقانیت خاندان صاحب قبر در امر ولایت خاصه است استماع این قضیه بر آنان شاق بود لذا کشف دوم را بطور مصنوعی بعد از مدتی مدید انتشار داده اند .

و صاحب کتاب آثار العجم هم که مرد ساده‌ای بوده بدون توجه بمراتب قضیه را نقل نموده است و در عین حال نتوانسته اند نام شاه چراغ را که از زمان عضدالدوله در افواه خاص و عام جاری و ساری بود متروک نمایند و این خود دلیل قاطع بر حقیقت امر

است والله اعلم بحقایق الامور .

معزالدوله بعد از وفات فرزند خود عزالدوله را ولی عهد خود در بغداد قرار داده بود و بعد از مدتی سبکتکین سردار اترک با او در مقام معارضه برآمد و شاید خلیفه وقت هم معناً از استبداد اترک حمایت می کرد .

همینکه مدت معارضه بطول انجامید قضیه به اطلاع عضدالدوله پسر عم عزالدوله در شیراز رسید فوراً با قوای مجهز خود به بغداد تاخته و اترک را کاملاً سرکوبی و پسر عم را در کار خود تقویت نمود و مجدداً بشیراز مراجعت کرد و پس از مدتی چون گزارش های نامناسبی از عزالدوله باورسید برای دفعه دوم به بغداد لشکر کشید و قوای بغداد حامی عزالدوله را درهم شکست و عزالدوله و برادران او را محبوس نمود ولی چون در این مدت رکن الدوله پدرش در قید حیات بود فرزند خود را ملامت نموده که بجهت قاعده قطع رحم کرده و پسر عم خود را آزار داده است عضدالدوله خجل شد و مجدداً عزالدوله را در مقام خود ابقاء کرده و بشیراز مراجعت کرد .

اما بعد از فوت رکن الدوله پدرش عضدالدوله بواسطه عدم رضایت که از اخلاق و رویه عزالدوله داشت برای دفعه سوم بیغداد تاخته و بطور کلی خاندان عم خود را از امر ولایت و امارت خلع نمود و عزالدوله را بقتل رسانید و خود در بغداد کوس استقلال زده و مدتی بر عراق حکومت و مروج مذهب شیعه امامیه در آن سامان گردید .

و همین شخص است که معاصر باشیخ مفید و خود مکرر بمنزل او میرفته و در مجلس درسش شرکت میکرد و بدین وسیله عقاید اهل بیت را ترویج نمود .

عضدالدوله بهدایت شیخ مفید بارگاه باعظمت حضرت امیر المؤمنین و مولی المتقین علی بن ابیطالب علیه السلام را بطرزیکه هنوز باقی و شناخته میشود بنا نمود و خود مکرر بآن آستان ملائک پاسبان برای زیارت مشرف میشد و این رویه بقاعده الناس علی دین ملوکهم تبلیغ فوق العاده ای در پیشرفت امر شیعه امامیه بود .

عضدالدوله در بغداد و شیراز بنای بیمارستان کرد و امر بجمع آوری فقراء و ایتم و تأسیس مؤسسات خیریه نمود که تدریجاً تکمیل گردید .

عضدالدوله بعضی رسوم مالیاتی هم معمول کرد که بنام بدعت مورد انتقاد عموم بود زیرا در مالیات اراضی و مالیات معاملات دو اب چیزی افزوده کرد - و غدن کرد که کسی حق ندارد از نقاط سردسیر برف و یخ به بازار شهرهای بزرگ بیاورد و این امر را در انحصار عمال دولتی قرار داد که یکی از منابع عایدات دولت باشد .

عضدالدوله در تاریخ هشتم شوال سیصد و هفتاد و دو هجری قمری بدارفانی شتافت و در موقع مرگ و احتضار مکررمی گفت (ما اغنی عنی مالیه و هلك عنی سلطانیه) یعنی مال من در این موقع بمن نفعی نمی رساند سلطنت من از هلاکم نمی تواند جلوگیری کند .

عضدالدوله در آستان مقدس حضرت امیر المؤمنین و قائد الغر المحجلین و یعسوب الدین علی بن ابیطالب علیه السلام در نجف اشرف مدفون گردید و دستور داد که بر قبر او بنویسند (و کلبهم باسط ذراعیه بالوصید) کنایه از اینکه سگ آن خاندان دستهای خود را در مقابل آنان بزمین گذارده است .

سلاطین آل بویه که تماماً شیعه بوده اند هر يك در محل خود مروج این مذهب مقدس با شدت و میانه روی و ضعف بوده اند و شنیده و نقل نشده که یکی از آنان پیرو جماعت و عامه باشند و برای قدردانی از آن خاندان بذکر اسامی آنان مبادرت می شود .

۱- علی عمادالدوله که میتوان او را موسس نامید در شیراز و نواحی فارس - و هم او بود که اولین قرار داد را با خلیفه عباسی منعقد کرد تا دولت آل بویه نضج گرفت و سپس عملاً آنرا القاء کرد .

۲- رکن الدوله در عراق عجم و نواحی مختلفه آن که موسوم بحسن بود .

۳- معز الدوله احمد بن بویه که کرمان و اهواز را داشت و بالاخره به بغداد تاخته و مقر خود را در آن شهر تاریخی قرارداد و بتدریج بر تمام عراق مسلط گردید و رسوم شیعه را از عزاداری در ایام تاسوعا و عاشورا پایه گذاری کرد .

۴- عضدالدوله بن رکن الدوله سلطان تاریخی این خاندان که لقب دیگرش ابوشجاع است .

۵- عزالدوله بن معزالدوله .

۶- مؤيدالدوله بن بويه بن ركنالدوله

۷- فخرالدوله بن ركنالدوله سلطان عراق عجم كه بهمدستی وزيرش صاحب بن عباد

اصلاحات زيادى در امور عمومى كرده است .

۸- ابوالفوارس شرفالدوله بن عضدالدوله بن ركنالدوله .

۹- صمامالدوله بن عضدالدوله بن ركنالدوله .

۱۰- بهاءالدوله بن عضدالدوله .

۱۱- مجدالدوله بن فخرالدوله بن ركنالدوله .

۱۲- سلطانالدوله بن بهاءالدوله بن عضدالدوله .

۱۳- مشرفالدوله بن بهاءالدوله بن عضدالدوله بن ركنالدوله .

۱۴- ابوكالنجار مرزبان بن سلطانالدوله بن بهاءالدوله بن عضدالدوله بن

ركنالدوله .

۱۵- جلالالدوله بن بهاءالدوله بن عضدالدوله .

۱۶- ملك رحيم فيروز بن ابى كالنجار بن سلطانالدوله بن بهاءالدوله بن عضد

الدوله بن ركنالدوله .

۱۷- ولادستون بن ابى كالنجار بن سلطانالدوله بن بهاءالدوله بن عضدالدوله .

۱۸- كيخسرو ابو على بن ابى كالنجار بن سلطانالدوله بن بهاءالدوله بن

عضدالدوله بن ركنالدوله رحمهم الله .

از وزراء نامى ايران كه نامش هميشه در صدر تاريخ ايران

بيست و سومين كافي

ميدرخشد كافي الكفاه صاحب بن عباد است كه غير از خواجه

الكفاة صاحب بن عباد

نصيرالدين در بين وزراء سلاطين رقيبى ندارد - اينكه فضلاء

و نويسندگان بدون توجه از خواجه نظام الملك تجليل مينمايند و اورا اولين وزير صائب

رأى در سياست ميدانند .

توجه ندارند كه اين وزير سنى متعصب است و مختصر توجهى بمذهب شيعه و